

تمام‌نخ

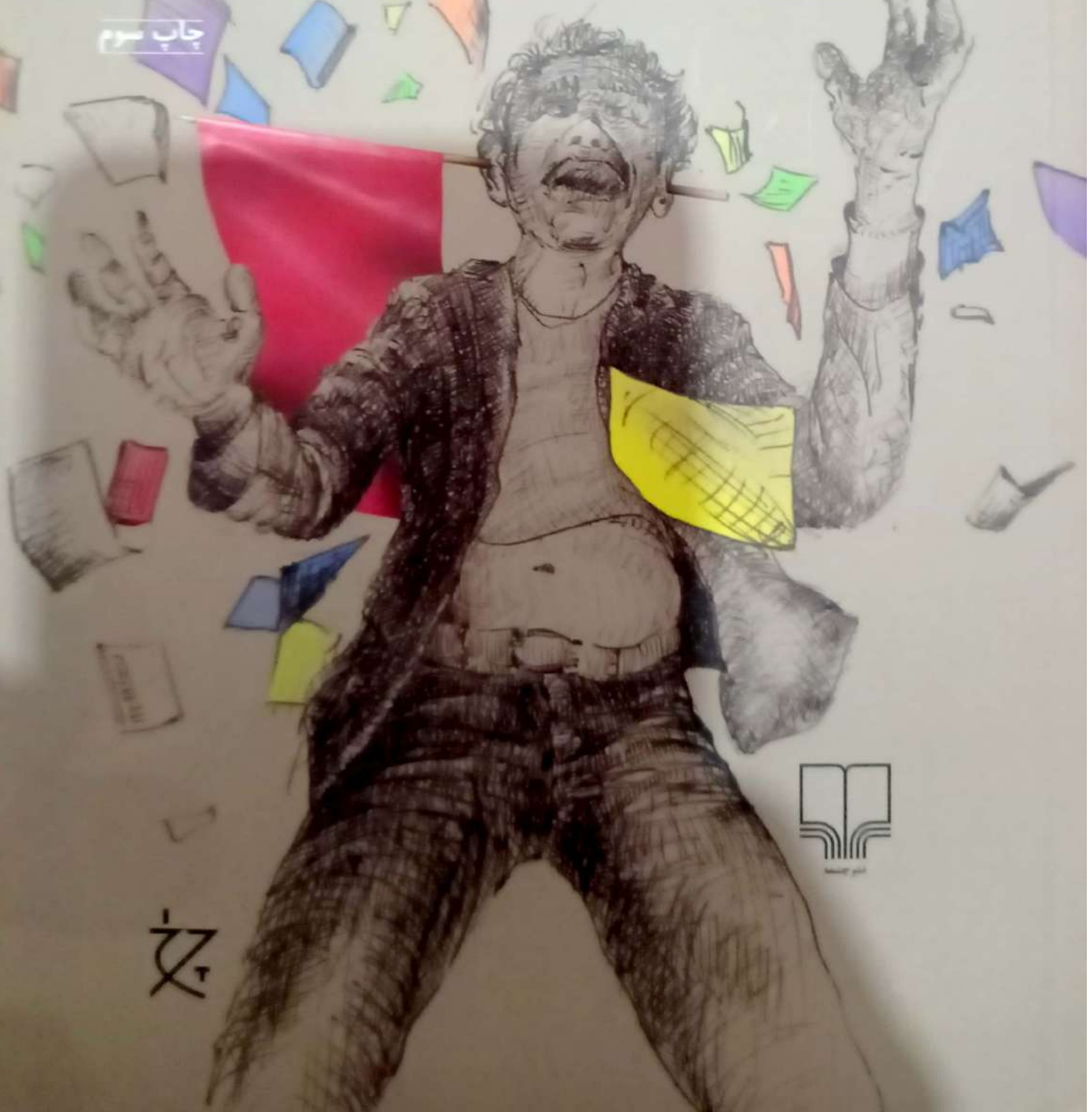
شانزده قطعه‌ی مفرح برای
آدم‌بزرگ‌های وقیح

شیل سیلورستاین

ترجمه‌ی بهرنگ رحیمی

چاپ سوم

کتابخانه
موزه
و مرکز
اسناد



نخ

تمام نخ

لباس فروشی مونیکی. روی تابلویی نوشته «تمام نخ». روی تابلویی دیگر نوشته «حراج - جنس فروخته شده پس گرفته نمی شود». جیل ایستاده و دارد تابلو بالای بلوزها را نگاه می کند. ریچل می رود پیشش.

این ها - تمام نخ آن؟

جیل

الیاف صد درصد نخ. رنگ هایی عالی داریم از شون. ولی به نظر خود من که گل شون اون سفیده ست.

ریچل

آب نرن - این طور به نظرم می آد.

جیل

آب نمی رن.

ریچل

تضمینی؟

جیل

قطعاً. سایز تون چنده، پنج؟ [راه می افتد سمت قفسه] می تونم رنگ های یو که برامون مونده به تون نشون بدم -

ریچل

من می تونم اینو نشون شما بدم - [دکمه های کتتش را باز می کند] اینو - [یک بلوز آب رفته ی کوچولو تنش است.]

جیل

چییه این؟ جنس ماست؟

ریچل

از این ها که آب نمی رن - صد درصد نخ - همین بلوز - تضمینی.

جیل

چه سایزیه؟ آگه سه نه نمی تونین انتظار داشته باشین که -

ریچل

برا چی سه خریدی باشم آخه؟ که مسخره به نظر بیام و تمبو بخوره؟
سایزش نه نه - نگاه کنین سایزشو.

جیل

- ریچل [تنگ سایز را نگاه می کند] سایز — نه — پسر، واقعاً آب رفته ها. تو چی شسته ینش؟
- جیل تو ظرفِ داغِ سوپِ مرغ. فکر می کنی تو چی شسته مش؟
- ریچل من تا حالا تو عمرم ندیده م چیزی این جور آب بره.
- جیل تو آبِ سرد شستمش، پاک کننده ی ملایم — با دست.
- ریچل بعضی وقت ها ممکنه خشک کن...
- جیل رو بند خشک شده — بلوزِ چهل دلاریو که نمی ندازم تو خشک کن.
- ریچل خب، به چیزی باعث شده خیلی آب بره.
- جیل به چیزی مثلِ خودِ نخش.
- ریچل شاید.
- جیل دیگه چی می تونه باشه!
- ریچل نمی دونم.
- جیل خب — من می خوام پشش بدم — [بلوز را درمی آورد].
- ریچل [تنگ را نگاه می کند] مطمئن اینواز این جا خریده یین؟ یادم نمی آد این رنگو داشته باشیم!
- جیل می خواین کاغذ خریدشو ببینین؟
- ریچل نه، موضوع این نیست که من به شما شک داشته باشم — فقط یادم نمی آد این رنگو دیده باشم —
- جیل روشن تر بود.
- ریچل خب کاغذ خریدشو لازم دارم. رییس اصرار داره که من — [جیل کاغذ خرید را بهش می دهد] هوه — کی به تون فروخته — من نمی شناسم همچین کاغذ خریدی...
- جیل دارین می گین که — به کسی دزدکی اومده این جا — این بلوز آب برو کوچیک شو رو فروخته به من — بدون اطلاع و اجازه ی شما؟
- ریچل من فقط داشتم —
- جیل خب پس منظور تون چیه که کی بهم فروخته؟ به زنِ قد کوتاهی که موهای قرمز داشت.

- ریچل موهای قرمز؟
- جیل به قرمزی می‌زد — آره.
- ریچل اون وقت این ماجرا مال... [نگاه می‌کند] کی بوده؟
- جیل سه‌شنبه — یا چهارشنبه — رو کاغذ خریده حتماً نوشته دیگه.
- ریچل خب هر کی بوده تاریخو نوشته. احتمالاً رُکسان.
- جیل احتمالاً رُکسان؟ موهای رُکسان قرمز؟
- ریچل رنگِ موهای رُکسان هر روز عوض می‌شه... خیره خب — من می‌تونم به‌تون یه بلوز دیگه بدم — یا هم قیمتش هر چیز دیگه‌ای — غیر جواهرات.
- جیل از یه بلوز دیگه — منظورتون یه مدل دیگه‌ست؟
- ریچل این تنها مدلیه که — تو حراجی — نمی‌تونم از جنس‌های غیر حراجی مون به‌تون بدم.
- جیل منظورتون اینه که من می‌تونم یه دونه دیگه از این بلوزهای آب‌نرو تضمینی بردارم.
- ریچل خب بعضی وقت‌ها تو کل یه باری که می‌آد — یه تک بلوزه که آب می‌ره.
- جیل قضیه‌ی نخشه — اگه همه‌شون از یه جور نخ‌آن، یعنی همه‌شون قراره آب برن دیگه.
- ریچل خب من می‌تونم هم قیمتش هر کدوم از جنس‌های دیگه‌ی حراجی به‌تون بدم.
- جیل چیزی که من می‌خوام اینه که پولمو پس بدین. من چهل و دو دلار و پنجاه سنت مو می‌خوام.
- ریچل من نمی‌تونم این کارو براتون بکنم — [تابلورا نشان می‌دهد] می‌تونم قیمتیه که خرید کردین، بزنم به حساب خرید هر کدوم از جنس‌های دیگه‌ای که ارزون‌تر یا هم‌قیمت —
- جیل شما گفتین تضمینی.
- ریچل تضمینی — اگه تضمینی نبود هم قیمت خریدتون جنس دیگه به‌تون نمی‌دادیم که، می‌دادیم؟

- معنی تضمینی این نیست که هم قیمت جنس به بلوزِ دیگه بهم بدین که
ممکنه عین همون آب بره — جیل
- معنیش هر جنس غیر حراجی دیگه ای هم نیست. ریچل
- ولی این تنها جنس حراجه — غیر جواهرات. جیل
- نمی تونم هم قیمت این جواهرات بدم. ریچل
- خب — بفرما — یا نه، خودم بفرمایم — جیل
- کاش کار بیشتری از دستم برمی اومد براتون بکنم. ریچل
- تو که اصلاً کاری نکرده‌ی. داری به جای این بلوز به درد نخور، به بلوز
به درد نخور دیگه بهم می دی. جیل
- این جا مغازه‌ی من نیست. من مونیک نیستم. ریچل
- «این جا مغازه‌ی من نیست — من مونیک نیستم» — این جوری همه چی
درست می شه دیگه. جیل
- این ها واقعا گارانتی می کنن جنس هاشونو — بر اساس — ریچل
- اِه این ها گارانتی می کنن — جنس هاشونو — به دقیقه پیش که ما گارانتی
می کنیم بود — اولش که اومدم تو که من گارانتی می کنم بود — داریم
عقبگرد می کنیم. جیل
- من فقط می تونم کاریو بکنم که از دستم برمی آد. ریچل
- من هم کاریو می کنم که از دستم برمی آد. جیل
- من فقط این جا کار می کنم. ریچل
- تو خودت داری — دنبال دردمس می گردی. جیل
- می تونین برگردین. صاحب این جا خودش چهارشنبه می آد — یا پنجشنبه. ریچل
- می تونین شماره تلفن صاحب این جا رو بهم بدین؟ شماره‌ی مونیک رو؟
فکر کنم نمی تونین. جیل
- می تونم شماره‌ی شمارو بگیرم و بدم بهش خودش باهاتون تماس بگیره. ریچل
- آها — ولی پولمو بهم پس نمی دین. جیل
- من نمی تونم این کارو بکنم — [تابلورا نشان می دهد]. ریچل

- خیله خب — من خیلی — مؤدب رفتار کردهم با شما. آدم مؤدبی نیستم ها
جیل
— نه به اون معنی ای که شما فکر می کنین این کلمه داره.
- من نمی تونم کاریو بکنم که از دستم برنمی آد.
ریچل
من می تونم یه کارهایی بکنم — [خم می شود سمت ریچل].
جیل
چی؟
ریچل
یه کارهایی — یه کارهایی که شما دل تون نمی خواد من بکنم.
جیل
این جا مشکل درست نکنین.
ریچل
می خوام این جا مشکل درست کنم — می خوام مشکل بسازم — مشکل
جیل
به بار بیارم.
می آن دستگیرتون می کنن.
ریچل
بابت چی؟ نمی خوام آتیش بزنم این جا رو که — لباس ها رو تیکه پاره کنم
جیل
که —
- جیل با دستش مجموعه ای حرکات عجیب و غریب انجام می دهد که
معنای شان نامعلوم است و همزمان با دهانش هم زمزمه هایی نامفهوم
می کند. دست می برد توی کیف دستی اش. ریچل می پرد عقب.
ریچل
به من شلیک نکن —
- جیل از کیف دستی اش یک مُشت کاغذرنگی براق درمی آورد و می پاشدشان
سمت ریچل. ریچل جیغ می کشد — می پرد عقب — متوجه می شود
کاغذرنگی بوده و آرام می گیرد.
جیل
بیا — انجام شد.
- شما — شما گند زدین به این زمین که.
ریچل
زمین؟ ها — به بیشتر از فقط زمین گند زدهم — [می خواند]
جیل
بیشتر از زمین خوشگلتر
گند زدم
بیشتر از مغازه ی قشنگتر
گند زدم

بیشتر از هر چیزی که تا حالا دیده‌ی
گند زدم

[می‌خندد، خنده‌ای غریب و هرهرطور.]

ریچل
جیل
من مسئول این جام — منم که باید این چیزها رو تمیز کنم.
این چیزها؟ این چیزها کلکتو می‌کنه. می‌خوام به چیزی بهت بگم. من
یه جادوگرم. راست می‌گم — من یه جادوگرم. الان یه طلسم نفرین ریختم
سر تو — سر این مغازه هم — واقعاً. معمولاً طلسم نفرین نمی‌ریزم — از
اون جادوگر خوب‌هام — جادوی مثبت می‌کنم. ولی تو کفر مو در آوردی.
واقعاً. الان هم متأسفم که این کارو کردم ها — ولی دیگه کاریه که شده.
دوست ندارم از کوره دربرم — ماها جوری ایم که باید خونسرد بمونیم...
خب — دیگه کاریه که شده.

ریچل
جیل
منم که باید تمیزش کنم.
نمی‌خواد نگران تمیز کردنش باشی. چیزهای گنده‌تری هست که باید
نگران شون باشی.

ریچل
جیل
واقعاً؟ [شروع می‌کند به جارو کردن کاغذ رنگی‌ها.]
آره، واقعاً... واقعاً... بهتره... یه کاری بکنی.
دارم یه کاری می‌کنم دیگه.
منظورم اینه که یه کاری بکنی.
چی کار؟

ریچل
جیل
من نمی‌دونم... هر کاری مردم می‌کنن — وقتی نفرین می‌شن. من معمولاً
اون نفرین‌کننده‌هه‌م.

ریچل
جیل
فکر کنم یه مقداری از این چیزها رو ریختی رو بلوزها.
نه که خیلی فایده‌ای داشته باشه ها. هر کاری هم می‌کردی نفرینو از بین
نمی‌بری.

ریچل
نفرین خود تویی. اومده‌ی این جا — زده‌ی نابود کرده‌ی این جا رو فقط
چون بلد نبودی چه جوری باید به بلوزو بشوری.

تقرین اینه که... می خوای بدونی تقرین چیه؟
 آرہ۔ لطفاً۔ بهم بگو تقرین چه کوفتیه و بعد ہم گورتو از این جا گم کن
 بیرون۔ [بلوزها را یک به یک نگاه می اندازد و کاغذ رنگی ها را از شان می نکاتند]
 تقرین کوفتی۔ قرار نیست گورمو از این جا گم کنه بیرون۔ گور این جا...
 می مونه۔ [مکث] همه چی... پایین... می افته۔ تقرین اینه۔ همه چی پایین
 می افته۔

ممنون۔ حالا می شه اگه اشکالی نداره بری؟
 همه چی...
 پایین می افته۔ شنیدم حرفتو۔ می شه بری؟ می خوام زنگ بزnm پلیس۔
 و۔ [می رود سمتِ تلفن] می خوام زنگ بزnm صاحبِ مغازه۔ [دفترچه ای را
 باز می کند]۔

مونیک۔
 آرہ۔ سعی ہم نکن دزدکی به شمارهش نگاه بندازی۔ [نمی گذارد دیده شود
 که چه شماره ای می گیرد]۔

بہش بگو همه چی۔ پایین می افته۔ بلوزها۔ بہش بگو بلوزها۔ پایین
 می افتن۔ از چوب لباسی ها۔ تگ ها کُندہ می شن و پایین می افتن از
 بلوزها۔ سائزها کُندہ می شن و پایین می افتن از یقه ها۔ درها۔ یهو۔
 درمی آن از۔ لولاها و۔ پایین۔ می افتن۔ جعبه ها از رو قفسه ها۔
 تلفن ها از رو میزا۔ و... همه... چی... تون۔ می افته۔ پایین۔ آرہ
 ۔ حواس تون باشه۔ نه، دیگہ خیلی دیرہ برا این کہ حواس تون باشه۔
 آمادہش بشین۔ همه چی می افته۔ پایین... اول دکمه ها۔ کُندہ می شن
 از رو بلوز نخِ آب نرو خودت۔ [دست می کشد روی دکمه ها] تگ اسم۔
 [دست می کشد روی تگ اسم] خود نخ ها۔ [دست می کشد] بعد ہم... باقی
 چیزها۔ [برآمدگی های اندام ریچل را نشان می دهد] می افتن۔ پایین۔
 ریچل می رود عقب تر می ایستد۔

می شه بیفتی پایین۔ گم شی پایین۔ گم شی بیرون؟
 ریچل

خدا حافظ... بلوز مو هم می برم.

جیل

ببرش. برو.

ریچل

می دمش به خواهرم. ممکنه برا بچه‌ی پنج ساله‌ش اندازه باشه... اسمش...
سیندیه... خیلی باهوش و تودل بروئه - به خواهرم می گم نشوردش -
همین جوری بذاره تن بچه باشه تا وقتی بیوسه خودش متلاشی شه - با
چرک تنش نگه داره - [می رود سمت در] یا این که - یا این که اگه اشتباهاً
شستش - سیندی می تونه تن عروسکش بکنه اینو... [دم بیرون رفتن است]
اسمش پوکیه... سیندی و پوکی...

جیل

جیل می رود بیرون - ریچل پا می شود و با چشم رفتن جیل را تعقیب
می کند. ریچل پایین را نگاه می کند، کاغذ رنگی ها را. ریچل بلوزها را نگاه
می کند. ریچل تلفن را نگاه می کند. تابلو «تمام نخ» از روی دیوار می افتد
پایین. نور آرام می رود.

دستی کاری از دست ام حتمی است
چی ز تپه برش.

پایین ۱۴۳۳

صعاد